

بررسی وضعیت افسردگی دانشجویان دانشگاه‌های شهر بردسیر استان کرمان

آزیتا سلاجقه^۱، داود شجاعی‌زاده^۲، آذر طل^۳

چکیده

مقدمه: متأسفانه شیوع برخی از مشکلات روحی و روانی در بین دانشجویان به ویژه افسردگی موجب مشکلات زیادی برای این گروه تأثیرگذار شده است. بررسی چنین مسأله مهمی می‌تواند تصمیم‌گیرندگان جامعه را در برنامه‌ریزی و پیشگیری از آن یاری نماید و دانشجویان جامعه را که اساسی‌ترین سرمایه یک کشور به حساب می‌آیند را سالم، شاداب و توانمند به عرصه‌های کار و فعالیت هدایت نماید. این پژوهش با هدف تعیین میزان افسردگی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه‌های بردسیر صورت گرفت.

روش‌ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است که در سال ۹۰-۱۳۸۹ انجام شد. جامعه پژوهشی در این مطالعه دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام‌نور شهرستان بردسیر بود. حجم نمونه ۳۰۰ نفر بود و نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده با نمونه‌های در دسترس انجام شد. میزان افسردگی دانشجویان با استفاده از پرسش‌نامه دو قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک و مرتبط با بیماری (۲۰ سؤال) و پرسش‌نامه استاندارد افسردگی زونگ (۲۰ سؤال) بر اساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت اندازه‌گیری گردید. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS_{۱۱/۵} و با استفاده از آزمون χ^2 و آزمون Exact fisher مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: ۳۰۰ دانشجوی دختر (۷۹/۳ درصد) و پسر (۲۰/۷ درصد) با رعایت موازین اخلاقی پژوهش، آزادانه در این مطالعه شرکت نمودند. امتیاز افسردگی با عوامل دموگرافیک مانند جنس، سن، رتبه تولد، ابعاد خانوار، رشته تحصیلی، سن و تحصیلات و شغل مادر، سن، تحصیلات و شغل پدر، وضعیت طبیعی زندگی، وضعیت مسکن، درآمد ماهیانه خانواده، رضایت از تحصیل و پیش‌بینی قبولی در کنکور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های مطالعه نشان داد که جنس ($P < ۰/۰۰۱$)، سطح تحصیلات مادر ($P = ۰/۰۳$)، رتبه تولد ($P = ۰/۰۲$)، رضایت از تحصیل ($P = ۰/۰۱$) و پیش‌بینی قبولی در کنکور ($P = ۰/۰۰۲$) با میزان افسردگی ارتباط معنی‌داری داشت. **نتیجه‌گیری:** با توجه به این که افسردگی به عنوان یکی از موضوعات مهم در بهداشت روان به شمار می‌رود و این که درصد چشمگیری از دانشجویان مورد مطالعه درجات متنوعی از افسردگی را داشتند، ضرورت انجام مداخلات آموزشی با بهره‌گیری از مدل‌های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت با تمرکز بر بهداشت روان اجتناب‌ناپذیر است.

واژه‌های کلیدی: افسردگی، دانشجویان، بهداشت روان

نوع مقاله: پژوهشی

پذیرش مقاله: ۹۱/۳/۲۰

دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۱۵

مقدمه

بی‌اشتهایی و افکار مرگ و خودکشی در شخص همراه است. از علایم شاخص افسردگی کاهش انرژی، بی‌حوصلگی و عدم تمرکز می‌باشد که در افرادی که دارای فعالیت‌های فکری

افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی است که با علایم کاهش انرژی و علاقه، احساس گناه، اشکال در تمرکز،

۱- مربی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد بردسیر، دانشگاه پیام نور، کرمان، ایران

۲- استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)

Email: shojae5@yahoo.com

۳- دکتری تخصصی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

هستند، به خصوص دانشجویان منجر به بروز اختلال در امور تحصیلی و شغلی، اشکال در انجام وظایف و کاهش انگیزه برای انجام فعالیت‌های جدید می‌گردد (۱). فرد مبتلا به اختلال افسردگی ممکن است که علاقه به امور درسی و آموزشی را از دست بدهد، احساس پوچی و بی‌اهمیتی به وی دست دهد و به معیارهای این گروه سنی یعنی توانمندی، سلامتی، هوشی، جذابیت و ... بی‌علاقه باشد. چنین فردی احساس ناتوانی می‌کند که منجر به ناراضی از خود و شدت بیماری می‌گردد (۲).

از آن جا که دانشجویان قشر عظیمی از جوانان مملکت را تشکیل می‌دهند و این مسأله نیز در میان این گروه رایج می‌باشد، مسأله پژوهش در مورد میزان افسردگی در میان این نسل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی چنین مسأله مهمی می‌تواند تصمیم‌گیرندگان جامعه را در برنامه‌ریزی و پیشگیری از آن یاری نماید و دانشجویان جامعه را که اساسی‌ترین سرمایه یک کشور به حساب می‌آیند، سالم، شاداب و توانمند به عرصه‌های کار و فعالیت هدایت نماید.

جوانان دانشجویی که دچار تعارض و امنیت روانی هستند، به اجبار بخش قابل توجهی از نیروی فکر خود را صرف حل مسایلی خواهند کرد که ذهن آن‌ها را مشغول نموده است. بالطبع در این شرایط دقت، توجه مطلوب و مشارکت در فعالیت‌های آموزشی بسیار اندک خواهد بود. عدم امنیت روانی و ابتلا به افسردگی نه تنها بر چگونگی رشد شخصیت آنان اثر می‌گذارد، بلکه عمده‌تاً موجب بروز و ظهور بسیاری از رفتارهای نامطلوب نظیر گوشه‌گیری و خیال‌پردازی، افسردگی، بی‌قراری، عصبانیت، پرخاشگری و غیره می‌گردد. همچنین بیشترین اثر را بر عدم شکوفایی هوش و پیشرفت تحصیلی آن‌ها خواهد داشت. در اصل تعارض و بی‌ثباتی عاطفی، آفت رشد و خلاقیت ذهنی است (۳، ۲).

دانشجویان نسبت به ۳۰ سال پیش احساس افسردگی و ناامیدی بیشتری دارند. نتایج یک نظرسنجی در بین دانشجویان نشان داد که چهار سال تحصیل در دانشگاه استرس‌زاترین دوره زندگی بسیاری از مردم است. رقابت برای کسب نمرات بهتر و عدم اطمینان از آینده مالی از دلایل مهم

بروز افسردگی و نگرانی در بین دانشجویان است (۲). نادری و سیفی در مطالعه خود بیان کردند که افسردگی در بین دانشجویان با درجات مختلف از خفیف تا شدید وجود دارد و تاکنون مطالعه‌های زیادی در مورد میزان، شدت و علایم افسردگی در بین دانشجویان صورت گرفته است. بر اساس نتایج بسیاری از این مطالعه‌ها، بی‌حوصلگی شایع‌ترین نشانه افسردگی در دانشجویان است. همچنین وی بیان کرد که پس از بی‌حوصلگی، کاهش قدرت تمرکز و یادگیری و احساس از دست دادن علاقه به ترتیب شایع‌ترین نشانه‌های افسردگی در دانشجویان است (۴).

از دیدگاه نادری و سیفی دلیل یا دلایل بروز افسردگی در دانشجویان بسیار متفاوت است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به حجم زیاد دروس، وجود درس‌های غیر مرتبط و غیر ضروری، کمبود امکانات رفاهی و سختی دروس اشاره کرد. علاوه بر دلایل فوق که بیشتر در مورد خود دروس و امکانات مختلف دانشگاهی می‌باشد، عوامل ژنتیکی، شخصیتی، محیطی، تغذیه‌ای، مصرف برخی از داروها و اعتیاد به برخی از مواد مخدر و سیگار نیز از دلایل دیگر و البته بسیار مهم در ایجاد افسردگی در بین دانشجویان است (۴).

از آن جا که جوانان درصد بالایی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و اضطراب و به خصوص افسردگی یکی از مشکلات عمده آنان می‌باشد، رسیدگی به این مشکل حایز اهمیت بسیار می‌باشد. در کشور ایران حدود یک سوم جمعیت را رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال تشکیل می‌دهد که درصد بالایی از این گروه به دانشجویان اختصاص یافته است. بنابراین نمی‌توان این جمعیت فعال و در حال رشد را نادیده گرفت. همچنین لازم است که مشکلات و مسایل این گروه سنی بررسی شود که مهم‌ترین آن مسأله کاریابی و ازدواج می‌باشد. بنابراین باید تأثیر این عوامل از نظر بهداشت روانی مورد توجه قرار گیرد و راه‌حلهایی جهت کاهش میزان افسردگی و قرار گرفتن این گروه در سطح مطلوبی از بهداشت روانی ارایه شود. با عنایت به اهمیت و ضرورت بررسی افسردگی در دانشجویان، این پژوهش با هدف تعیین وضعیت افسردگی در دانشجویان دانشگاه‌های بردسیر و عوامل مؤثر بر آن صورت گرفت.

روش‌ها

این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که برای بررسی افسردگی در دانشجویان در حال تحصیل در دانشگاه‌های شهرستان بردسیر انجام شد. جامعه پژوهش در این مطالعه، کلیه دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام‌نور شهرستان بردسیر در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰ بود. به تعداد ۳۵۰۰ دانشجو در شهرستان بردسیر مشغول به تحصیل بودند. از آن جایی که در این مطالعه میزان افسردگی دانشجویان این شهرستان مدنظر است، برای تعیین اندازه نمونه با استفاده از فرمول مربوطه و با در نظر گرفتن درجه اطمینان ۹۵ درصد، میزان $Z_{1/96}$ ، دقت مطالعه ۰/۰۵ و توان آزمون ۸۰ درصد اندازه نمونه برای انجام این مطالعه ۳۰۰ نفر محاسبه گردید. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی در دسترس بود. معیارهای ورود به پژوهش عبارت از مشغول به تحصیل بودن، دارا بودن سن بالای ۱۸ سال و تمایل و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش بود.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش دو پرسش‌نامه بود که هر یک شامل ۲۰ سؤال بود. بیست سؤال اول در زمینه خصوصیات فردی دانشجو مانند سن و جنس، وضعیت زندگی، وضعیت والدین، سن، شغل و تحصیلات والدین، ابعاد خانواده، رتبه تولد، رشته تحصیلی، معدل ترم قبل، رضایت از تحصیل و پیش‌بینی قبولی در کنکور، درآمد ماهیانه و مسکن بود. قسمت دوم آزمون استاندارد سنجش افسردگی زونگ که شامل ۲۰ سؤال بود و به هر کدام از پاسخ‌ها امتیازات ۱ (هرگز) تا ۴ (همیشه) تعلق می‌گرفت (۵).

برای بررسی روایی این ابزار از ده نفر از صاحب‌نظران در حوزه روان‌پزشکی نظرخواهی شد. جهت بررسی پایایی این پرسش‌نامه از آزمون مجدد (Test-Retest) استفاده شد؛ بدین صورت که در دانشگاه پیام‌نور شهرستان بردسیر ۳۰ پرسش‌نامه به صورت تصادفی بین دانشجویان پخش شد و از آن‌ها خواسته شد تا به سؤال‌ها پاسخ دهند. سپس پانزده روز بعد همان افراد بار دیگر پرسش‌نامه را پر کردند که ضریب همبستگی بین داده‌ها ۹۶ درصد بود.

پژوهشگر برای رعایت ملاحظات اخلاقی پس از توضیح

اهداف پژوهش به دانشجویان تحت مطالعه اطمینان داد که اطلاعات محرمانه خواهد ماند. از این رو پرسش‌نامه بدون نام تکمیل گردید و در ضمن از آن دسته از افرادی که مایل به تکمیل پرسش‌نامه نبودند، استفاده نشد.

روش آماری مناسب جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، آمار توصیفی و آمار استنباطی بود. برای دستیابی به اهداف اختصاصی ارایه و توصیف داده‌های کمی شامل خصوصیات فردی و خانوادگی، وضعیت تحصیلی و خانوادگی، نسبت و شدت افسردگی دانشجویان، تهیه جدول و محاسبه درصد از آمار توصیفی و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون χ^2 و آزمون Exact fisher استفاده شد. سطح معنی‌داری این پژوهش کمتر از ۵ درصد در نظر گرفته شد و نرم‌افزارهای SPSS^{۱۱/۵} و Minitab به کار گرفته شد.

یافته‌ها

در این بررسی ۳۰۰ دانشجوی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام‌نور شهرستان بردسیر مورد مطالعه قرار گرفتند. از این تعداد ۶۲ نفر (۲۰/۷ درصد) پسر و ۲۳۸ نفر (۷۹/۳ درصد) دختر به سؤال‌های پرسش‌نامه پاسخ دادند. بیشترین درصد دانشجویان (۶۲/۷ درصد) مربوط به رشته‌های علوم انسانی بود. در این پژوهش سن ۵۲ درصد دانشجویان کمتر از ۲۰ سال، ۲۷/۳ درصد بین ۲۰-۲۴ سال و ۲۰/۷ درصد بیش از ۲۴ سال بود. نتایج مطالعه در ارتباط با وضعیت خانوادگی دانشجویان نشان داد که بیشتر پدرانشان (۶۵/۷ درصد) شغل آزاد داشتند و شغل مادر بیشتر خانه‌داری (۹۴/۳ درصد) بود.

۶۵/۷ درصد پدران و ۷۰ درصد مادران دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند که بیشترین درصد را به خود اختصاص دادند. این امر نشان‌دهنده این واقعیت است که در این شهرستان والدین دانشجویان از لحاظ تحصیلی در سطح بسیار پایینی قرار دارند و فقط ۱۵ درصد پدران و ۴/۳ درصد مادران دارای تحصیلات بالای دیپلم هستند. ۷۱/۳ درصد دانشجویان با والدین خود زندگی می‌کردند و خانواده‌های ۶ نفره بیشترین ابعاد خانوار را تشکیل می‌دادند (۴۲/۳ درصد). از این تعداد

دانشجویان ۶۸/۷ درصد آن‌ها از وضعیت تحصیلی خود به نسبت راضی بودند و فقط ۱۸ درصد عدم رضایت تحصیلی داشتند و تنها ۳/۳ درصد آن‌ها احتمال قبولی در کنکور برای ادامه تحصیل را غیر ممکن دانستند.

امتیاز افسردگی با عوامل دموگرافیک مانند جنس، سن، رتبه تولد، ابعاد خانوار، رشته تحصیلی، سن، تحصیلات و شغل مادر، سن، تحصیلات و شغل پدر، وضعیت طبیعی زندگی، وضعیت مسکن، درآمد ماهیانه خانواده، رضایت از تحصیل و پیش‌بینی قبولی در مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های مطالعه نشان داد که بین میزان افسردگی و جنسیت دانشجویان رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/001$). این مطالعه نشان داد که ۵۸ درصد از پسران و ۸۰ درصد از دختران دچار افسردگی خفیف تا شدید هستند (جدول ۱).

جدول ۲ نشان داد که دانشجویانی که تحصیلات مادران آن‌ها زیر دیپلم، دیپلم و عالی است، به ترتیب ۷۷/۵، ۷۰ و ۷۷ درصد افسرده هستند. نتایج نشان داد که سطح تحصیلات مادر ($P = 0/03$) با افسردگی ارتباط آماری معنی‌دار دارد.

همچنین یافته‌ها نشان داد که در مقایسه با رتبه تولد، میزان افسردگی خفیف بیشتر از سایر افسردگی‌ها است. همچنین میزان افسردگی افرادی که فرزند چهارم یا بیشتر هستند، بیشتر از سایر گروه‌ها است. رتبه تولد ($P = 0/02$) با افسردگی ارتباط آماری معنی‌دار دارد. با توجه به جدول ۳ در مورد افسردگی و وضعیت والدین، میزان افسردگی خفیف بیشتر از سایر افسردگی‌ها است. میزان افسردگی نیز در افرادی که والدین آن‌ها وضعیت غیر طبیعی دارند، بیشتر از افرادی است که والدین آن‌ها وضعیت طبیعی دارند.

جدول ۴ نشان می‌دهد که میزان افسردگی متوسط و شدید در افرادی که از وضعیت تحصیلی خود ناراضی هستند، بیشتر از افرادی است که از وضعیت تحصیلی خود کاملاً راضی و به نسبت راضی هستند. نتایج آزمون نشان داد که رضایت از تحصیل ($P = 0/01$) با افسردگی ارتباط آماری معنی‌داری دارد. همچنین نتایج مطالعه نشان داد که پیش‌بینی قبولی در کنکور ($P = 0/002$) با میزان افسردگی ارتباط معنی‌داری دارد.

جدول ۱: توزیع فراوانی مطلق و نسبی میزان افسردگی بر حسب جنسیت در افراد مورد مطالعه

افسردگی	جنسیت		دانشجویان پسر		دانشجویان دختر		نتیجه آزمون
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
ندارد	۲۶	۴۲	۴۷	۲۰			
خفیف	۲۹	۴۷	۱۳۲	۵۵			$\chi^2 = 18/73$
متوسط	۴	۶	۵۴	۲۳			Df = ۳
شدید	۳	۵	۵	۲			$P < 0/001$
جمع	۶۲	۱۰۰	۲۳۸	۱۰۰			

جدول ۲: توزیع فراوانی مطلق و نسبی میزان افسردگی بر حسب تحصیلات مادر در افراد مورد مطالعه

افسردگی	تحصیلات مادر		زیر دیپلم		دیپلم		تحصیلات دانشگاهی		نتیجه آزمون
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
ندارد	۴۷	۲۲/۵	۲۳	۳۰	۳	۲۳			
خفیف	۱۱۶	۵۵	۳۷	۴۸	۸	۶۲			$\chi^2 = 13/85$
متوسط	۴۵	۲۱/۵	۱۱	۱۴	۲	۱۵			Df = ۶
شدید	۲	۱	۶	۸	۰	۰			$P = 0/03$
جمع	۲۱۰	۱۰۰	۷۷	۱۰۰	۱۳	۱۰۰			

جدول ۳: توزیع فراوانی مطلق و نسبی میزان افسردگی بر حسب وضعیت والدین در افراد مورد مطالعه

نتیجه آزمون	وضعیت طبیعی		وضعیت غیر طبیعی		افسردگی
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
	۶۰	۲۵	۱۳	۲۰	ندارد
$\chi^2 = ۱۶/۶۷$	۱۳۱	۵۶	۳۰	۴۷	خفیف
Df = ۳	۴۲	۱۸	۱۶	۲۵	متوسط
P = ۰/۰۰۱۴	۳	۱	۵	۸	شدید
	۲۳۶	۱۰۰	۶۴	۱۰۰	جمع

جدول ۴: توزیع فراوانی مطلق و نسبی میزان افسردگی بر حسب رضایت از تحصیل در افراد مورد مطالعه

نتیجه آزمون	رضایت از تحصیل		کاملاً راضی		به نسبت راضی		افسردگی
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
	۱۷	۴۲/۵	۴۴	۲۱	۱۲	۲۲	ندارد
Exact fisher= ۱۷/۰۱	۱۶	۴۰	۱۲۱	۵۹	۲۴	۴۴/۵	خفیف
Df = ۶	۷	۱۷/۵	۳۷	۱۸	۱۴	۲۶	متوسط
P = ۰/۰۱	۰	۰	۴	۲	۴	۷/۵	شدید
	۴۰	۱۰۰	۲۰۶	۱۰۰	۵۴	۱۰۰	جمع

بحث

این مطالعه با هدف بررسی وضعیت افسردگی در دانشجویان دانشگاه‌های بردسیر استان کرمان انجام شد. این مطالعه نشان داد که ۵۸ درصد از پسران و ۸۰ درصد از دختران دچار افسردگی خفیف تا شدید هستند. بین میزان افسردگی و جنسیت دانشجویان رابطه آماری معنی‌دار وجود داشت. این یافته با نتایج مطالعه گلی همخوانی داشت و هر دو این مطالعه‌ها شیوع افسردگی در دانشجویان دختر را بیشتر از دانشجویان پسر گزارش کردند (۶). مطالعه‌های دیگر در سایر کشورها شیوع افسردگی در زنان را دو برابر مردان گزارش نمودند. احتمال ابتلا به این اختلال برای خانم‌ها در طول عمر تقریباً ۲۰ درصد و برای مردها ۱۰ درصد است (۷). علت این تفاوت ممکن است در استرس‌های مختلف، زایمان، درماندگی آموخته شده و آثار هورمونی زنانه نهفته باشد (۳). مطالعه قاسمی و همکاران که در مشهد انجام شد، با این یافته در مطالعه حاضر همخوانی دارد (۸).

در مورد سن والدین و ارتباط آن با افسردگی رابطه معنی‌دار آماری مشاهده نشد که نتایج این مطالعه در مورد این

عدم ارتباط با سن مادر با مطالعه هاشمی و همکاران (۹) و در مورد سن پدر با مطالعه محمدیگی و همکاران (۱۰) همخوانی دارد، اما مطالعه دوست حسینی در مورد دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های تهران نشان داد که افسردگی و سن مادر در دانش‌آموزان دختر رابطه معنی‌داری دارند. در این مطالعه بیشترین شیوع افسردگی در دخترانی است که مادرانشان در محدوده سنی ۴۰-۵۰ سال هستند (۱۱). به نظر می‌رسد مادرانی که در سنین بالای ۵۰ سال هستند، به دلیل تجربه بیشتر با رفتار سنجیده‌تر به حالات روحی دختران خود واکنش نشان می‌دهند و از فشارهای روحی آن‌ها می‌کاهند. با این وجود تحقیقات انجام شده در مورد افسردگی و سن مادر دانشجویان نشان داد که رابطه معنی‌داری بین افسردگی و سن مادر وجود ندارد. از این رو می‌توان چنین استنباط کرد که چون این گروه در دوره جوانی قرار دارند، سن مادر در میزان افسردگی تأثیر به سزایی ندارد، ولی در مورد دوره نوجوانی از آن جا که نوجوانان بیشتر به ارتباط با مادر نیاز دارند، بررسی‌ها رابطه معنی‌داری بین افسردگی و سن مادر را نشان می‌دهند.

در این مطالعه بین شغل والدین و میزان افسردگی ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد که نتایج مطالعه حاضر با مطالعه دوست حسینی (۱۱) و هاشمی و همکاران (۹) همخوانی دارد. از طرف دیگر تحصیلات پدر با میزان افسردگی ارتباط معنی‌دار آماری نشان نداد که با نتایج مطالعه دوست حسینی مطابقت می‌کند (۱۱).

یافته‌های این مطالعه نشان داد که افسردگی و تحصیلات مادر افراد مورد بررسی با هم رابطه معنی‌دار آماری دارند، اما تحقیق انجام شده در دانشگاه یاسوج نشان داد که بین افسردگی و تحصیلات مادر رابطه‌ای وجود ندارد (۹). این مسأله قابل تأمل است که بالا بودن سطح تحصیلات مادر، توان درک حالات روحی و تعامل با فرزندان به خصوص دختران را بهبود می‌بخشد و احتمال ابتلا به افسردگی و اختلالات روانی را کاهش می‌دهد.

یکی دیگر از یافته‌های این مطالعه، معنی‌دار بودن رابطه بین افسردگی و وضعیت در قید حیات بودن والدین افراد بود. دانشجویانی که پدر و مادرشان در قید حیات بودند و با هم زندگی می‌کردند، نمره افسردگی کم‌تری نسبت به دانشجویانی که یکی از والدین یا هر دو فوت کردند و یا از هم جدا شدند را کسب نمودند. توجیه این امر می‌تواند این باشد که دانشجویانی که در خانواد با شرایط مساعدتر زندگی می‌کنند، از سلامت روان بهتری برخوردار هستند.

در این مطالعه میزان افسردگی و درآمد ماهیانه افراد با هم ارتباط آماری معنی‌داری نداشت که این یافته با مطالعه یاسوج همخوانی دارد (۹). می‌توان گفت که وضعیت اقتصادی و وضعیت مسکن تحت تأثیر شغل والدین است که طبق یافته‌های این پژوهش شغل والدین و افسردگی رابطه معنی‌دار آماری نداشت.

رتبه تولد و میزان افسردگی در این مطالعه ارتباط آماری معنی‌داری داشت، اما افزایش ابعاد خانوار با میزان افسردگی ارتباط معنی‌دار آماری نداشت. این یافته با تحقیق انجام شده در دانشگاه علوم پزشکی زنجان مطابقت ندارد که نشان داد میان افسردگی و ابعاد خانواده دانشجویان ارتباط آماری معنی‌داری وجود دارد (۱۲). با این وجود مطالعه توکلی‌زاده و

خدادادی (۱۳) در دانشگاه علوم پزشکی گناباد ارتباط معنی‌داری را بین افسردگی و ابعاد خانواده نشان داد و این یافته در مطالعه دوست حسینی (۱۱) نیز تأیید شد.

در این تحقیق که در مورد دانشجویان بردسیر بود، بین افسردگی و ابعاد خانواده رابطه‌ای وجود نداشت. شاید بتوان چنین استنباط کرد که اکثریت این افراد در روستاهای اطراف این شهرستان زندگی می‌کردند. افراد در مناطق روستایی به دلیل بیشتر بودن تعاملات با بستگان، دوستان، همسایگان و ... کم‌تر در معرض تنهایی قرار می‌گیرند و اگر هم تعداد اعضای خانواده کم باشد، تعاملات فرد با دیگران زمینه را برای بروز افسردگی فراهم نمی‌کند.

یکی دیگر از یافته‌های این مطالعه عدم ارتباط بین میزان افسردگی و رشته تحصیلی بود. این یافته با نتایج مطالعه امانی و همکاران مطابقت داشت. همچنین مطالعه آنان نشان داد که میزان افسردگی در دانشجویان از شیوع بالایی برخوردار است و لازم است برای پیشگیری از این معضل بزرگ اجتماعی برنامه‌ریزی شود (۱۴). در تحقیق دیگری که در دانشکده علوم پزشکی گناباد انجام شد، رابطه آماری معنی‌داری بین افسردگی و رشته تحصیلی دانشجویان وجود داشت (۱۳).

این مطالعه نشان داد که بین افسردگی و میزان رضایت از تحصیل رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد. در تحقیق انجام شده در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل نیز بین افسردگی و رضایت از تحصیل رابطه آماری معنی‌داری مشاهده شد (۱۴). در نتیجه می‌توان گفت در افرادی که از وضعیت تحصیلی خود ناراضی هستند، بیشترین شیوع افسردگی دیده می‌شود. در مقابل، کسانی که از وضعیت تحصیلی خود راضی هستند، کم‌ترین میزان افسردگی را تجربه می‌نمایند.

بین افسردگی و پیش‌بینی قبولی در کنکور برای ادامه تحصیل در افراد مورد بررسی رابطه آماری معنی‌داری وجود داشت. همین رابطه در تحقیق انجام گرفته در مورد دانشجویان شهر تهران نیز صادق بود (۱۱). نتایج این پژوهش نشان داد که بیشترین شیوع افسردگی در

دانشجویانی است که احتمال پذیرفته شدن در کنکور برای ادامه تحصیل را غیر ممکن می‌دانستند. در مقابل، افرادی که معتقد بودند حتماً در کنکور پذیرفته می‌شوند، کم‌ترین میزان افسردگی را داشتند. این امر شاید به دلیل شرایط خاص وضعیت اقتصادی کشور و معضل بیکاری باشد. یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های دانشجویان و از عوامل اصلی نگرانی‌های آن‌ها مسایل اقتصادی و احتمال قبولی در کنکور برای ادامه تحصیل و در نهایت پیدا کردن شغل مناسب با تحصیل می‌باشد.

با توجه به شیوع به نسبت بالای افسردگی و عوامل مرتبط با آن، این مطالعه مواردی را برای برنامه‌ریزی برای بهبود شرایط پیشنهاد می‌نماید. این موارد شامل غربالگری روانی دانشجویان در طول تحصیل و شروع اقدامات برای برقراری مجدد سلامت روان دانشجویان، شناسایی شرایط اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های دانشجویان افسرده توسط دانشگاه و ارائه خدمات متناسب و در حد توان سیستم‌های آموزشی، برگزاری جلسات بحث آزاد در طی ترم‌های

تحصیلی جهت شنیدن اظهار نظرها و مشکلات دانشجویان، تلاش در جهت رفع مشکلات موجود، تجهیز مراکز بهداشت درمانی جهت کمک به دانشجویان افسرده، فراهم آوردن شرایط مشاوره در جامعه برای خانواده دانشجویان با هدف کاهش تنش‌های خانواده و پیشگیری از جدایی والدین، حمایت عاطفی دانشجویان از جانب دانشگاه در شرایط بحرانی که دانشجو دچار فشار روحی می‌شود و در نهایت آموزش بهداشت روانی در قالب برنامه‌های مدون و مداوم به خانواده‌ها می‌باشد که بسیاری از اختلالات روحی دانشجو از خانواده نشأت می‌گیرد. محدودیت عمده مطالعه خودگزارشی بودن ابزار مطالعه، عدم بررسی بومی بودن دانشجویان و شرایط سکونت در خوابگاه بود.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله مراتب تشکر و قدردانی خود را از دانشجویان محترم به دلیل شرکت در این مطالعه اعلام می‌دارند.

References

1. Shamloo S. Mental Health. Tehran, Iran: Roshd Publication; 2012. [In Persian].
2. Foroutani M. Depression in some college students. Iran J Nurs 2005; 18(41): 123-30. [In Persian].
3. Kaplan HI, Sadock BJ. Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences, clinical psychiatry. 8th ed. Philadelphia, PA: Williams & Wilkins; 1998.
4. Naderi E, Saif Naraghi M. Reserch methods and evaluation in human sciences. Tehran, Iran: Badr Publications; 2007. [In Persian].
5. Carroll BJ, Fielding JM, Blashki TG. Depression rating scales. A critical review. Arch Gen Psychiatry 1973; 28(3): 361-6.
6. Goli A. Assessment of depression among students of Ardakan and effective factors [MSc Thesis]. Tehran, Irsan: Tehran University of Medical Sciences, 2007. [In Persian].
7. Golberg A, Akiskal H. Mood disorders. In: Sadock BJ, Sadock VA, Editors. Kaplan and Sadock's Comprehensive Textbook of Psychiatry. 8th ed. Philadelphia, PA: Lippincott Williams & Wilkins; 2004. p. 524-730.
8. Ghasemi SM, Rajabnia F, Saadatian V, Meshkat M. The frequency of depression and related factors among the medical and paramedical students of Mashhad Islamic Azad University during year 2007-2008. Medical Science Journal Islamic Azad University-Mashhad Branch 2009; 4(3): 181-7.
9. Hashemi Mohammadabad N, Zadehbagheri GH, Ghafarian Shirazi HR. A Survey on Some Etiologic Factors Related to Depression among University Students in Yasuj. Journal of Medical Research 2003; 2(1): 16-26. [In Persian].
10. Mohammadbeygi A, Mohammad Salehi N, Ghamari F, Salehi B. Depression symptoms prevalence, General health status and its risk factors in dormitory students of Arak universities 2008. J Arak Univ Med Sci 2009; 12(3): 116-23. [In Persian].
11. Dost Hossaini S. Assessment of depression among students [MSc Thesis]. Tehran, Iran: Tehran University of Medical Sciences; 2001. [In Persian]

12. Rashidi F. A survey rate of depression in nursing students, Zanjan University Nursing and Midwifery. J Zanjan Univ Med Sci 2001; 9(1): 12-7. [In Persian].
13. Tavakolizadeh J, Khodadadi Z. Assessment of Mental Health Among Freshmen Entering the First Semester in Gonabad University of Medical Sciences in 2009-2010. Ofogh-e-Danesh Journal 2010; 16(2): 45-51. [In Persian].
14. Amani F, Sohrabi B, Sadeghieh S, Mashoufi M. The Prevalence of Depression among the Students of Ardabil University of Medical Sciences, 2003. J Ardabil Univ Med Sci 2004; 3(11): 1-11. [In Persian].

Depression and Related Factors among University Students

Azita Salajegheh¹, Davoud Shojaezadeh², Azar Tol³

Abstract

Background: Prevalence of mental disorders especially depression cause tremendous problems among university students. Assessing this fact can help decision makers in planning and depression prevention strategies. This study aimed to assess depression and related factors among university students of Bardsir in Kerman, Iran in 2011.

Methods: The study population was 300 university students and random sampling was conducted. The questionnaire included socio demographic information (20 items) and Zung depression scale (20 items). All items were scored on a scale of 1 (not at all) to 4 (always). Reliability for global instrument was measured by test-retest method ($\alpha = 0.98$).

Findings: 300 female (79.3%) and male students (20.7%) participated in this study. Depression was assessed by sex, age, order of birth, family size, major, age, level of education and type of occupation of parents, living situation, family income, education satisfaction and success anticipation in exam. Sex ($P < 0.001$), order of birth ($P = 0.02$), level of mother's education ($P = 0.03$), education satisfaction ($P = 0.01$) and success anticipation in exam ($P = 0.002$) had significant statistical relation with depression.

Conclusion: Regarding that depression is considered as one of the most important issues in mental health, and significant percent of study population had different range of depression, the need for educational interventions using health education and health promotion models focusing on mental health is inevitable.

Key words: Depression, University Students, Mental Health

1- Lecturer, Department of Education, Bardsir Branch, Payame Nour University, Kerman, Iran

2- Professor, Department. of Health Education and Promotion, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran (Corresponding Author) Email: shojae5@yahoo.com

3- Department of Health Education and Promotion, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran